

الگوی پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی در افراد متأهل

Predictive Pattern of Marital Happiness in Married Individuals

E. Haghiyan, M. A.

Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

M. S. Sadeghi, Ph.D.

Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

L. Panaghi, Ph.D.

Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

F. Mootabi, Ph.D.

Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

الناز حقیان

کارشناس ارشد خانواده‌درمانی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر منصوره السادات صادقی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر لیلی پناغی

دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۴/۲/۲۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۶/۳/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۶/۴/۱۷

Abstract

The aim of this study was to identify the predictors of marital happiness and to suggest a pattern for predicting marital happiness in married individuals. The population of the present study comprised all married men and women with an age range of 20 to 50 years, residing in Tehran, and married for at least two years. The Sampling was conducted in two stages. The first stage was conducted via convenient sampling and 67 married individuals completed the Enrich Marital Satisfaction and the Tagarian Marital Happiness Questionnaires. At the second stage, via purposeful sampling, 20 of married individuals with the highest scores on both questionnaires have been interviewed.

Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Velenjak, Tehran, Iran
Email: m_sadeghi@sbu.ac.ir

چکیده

هدف از این پژوهش، شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی و ارائه مدل پیشنهادی برای پیش‌بینی شادکامی زناشویی افراد متأهل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر زنان و مردان متأهل با دامنه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال و ساکن شهر تهران بودند که حداقل دو سال از زندگی مشترک آنها گذشته باشد. نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود و ۶۷ نفر از افراد متأهل به پرسش‌نامه‌های رضایت زناشویی انریچ و شادکامی زوجین تگریان پاسخ دادند. در مرحله دوم و به شیوه هدفمند با ۲۰ نفر از افراد متأهلی که در هر دو پرسش‌نامه نمرات بالایی کسب کرده بودند، مصاحبه انجام شد.

نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

پست الکترونیکی: m_sadeghi@sbu.ac.ir

Finally, data were analyzed using qualitative research methods (open, axial and selective coding) to develop codes and categories. The results showed that four types of factors contributed to marital happiness. They were demographic factors such as age difference, education and income; interpersonal factors such as forgiveness; intrapersonal factors such as acceptance and family factors. According to the results, it seems that among these factors, intrapersonal factors, particularly one's personal characteristics, perception and standards play a main role in prediction of the marital happiness.

Keywords: Marital Satisfaction, Marital Happiness, Interpersonal Factors, Intrapersonal Factors, Demographic Factors.

در نهایت با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش کیفی (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) به تدوین کدها و مقوله‌ها پرداخته شد. نتایج نشان داد که چهار دسته از عوامل در شادکامی زناشویی نقش ایفا می‌کردند. این چهار دسته شامل عوامل جمعیت-شناختی مثل فاصله سنی، تحصیلات و درآمد، عوامل درون‌فردی مثل گذشت، عوامل بین‌فردی مثل پذیرش و عوامل مربوط به خانواده‌ها می‌باشند. با توجه به نتایج این طور به نظر می‌آید که از بین این عوامل، عوامل درون‌فردی به خصوص ویژگی‌های شخصیتی خود فرد و درک و استانداردهای وی نقش بسزایی در پیش‌بینی شادکامی زوجین داشتند.

کلیدواژه‌ها: رضایت زناشویی، شادکامی زناشویی، عوامل درون‌فردی، عوامل بین‌فردی، عوامل جمعیت شناختی.

مقدمه

توجه به شادکامی از دیرباز در زندگی آدمی مطرح بوده و انسان همواره راهکارهایی را جست‌وجو می‌کرده تا بتواند موجبات رضایت و لذت بیشتر خود را فراهم کند (کامیاب، حسین پور و سودانی^۱، ۱۳۸۸). علاوه بر اهمیت شادکامی در زندگی فردی، وجود رضایت و شادکامی در زندگی زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است. شادکامی یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب استحکام و پایداری رابطه زناشویی می‌شود (نگریان^۲، ۱۳۸۷). اولین مطالعه منتشر شده در مورد ازدواج که توسط ترمن، باتنوایسر، فرگوسن، جانسون و ویلسون^۳ در سال ۱۹۳۸ انجام شد، این سؤال را مطرح کرد که «اساساً چه چیزی در مورد زوجین شادکام^۴ و زوجین ناشادکام^۵ در ازدواج متفاوت است؟» (صادقی^۶، ۱۳۸۹). از آن پس محققان تلاش کرده‌اند دریابند که چه عواملی ازدواج‌های شاد، موفق و رضایت‌بخش را از ازدواج‌های نارضايت‌بخش^۷ متمایز می‌سازند (کاسلو و روبیسون^۸، ۱۹۹۶؛ هالفورد، لیزیو، ویلسون و اُجیپینتی^۹، ۲۰۰۷؛ لی و انو^{۱۰}، ۲۰۰۸). تا اوایل قرن بیستم تصور بر این بوده است که صرف ازدواج کردن و تشکیل خانواده دادن، تأثیر مثبتی روی بهزیستی فردی دارد. چنان که یافته‌های حاصل از مطالعات انجام شده در آمریکا نشان داده است که افراد متأهل نسبت به افراد مجرد، بیوه و مطلقه از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بوده‌اند (گلن و ویور^{۱۱}، ۱۹۸۱). در تحقیقات بعدی مشخص شد که صرف ازدواج کردن باعث شادکامی در فرد نمی‌شود، بلکه رضایت از زندگی و عوامل اجتماعی -

اقتصادی بر احساس شادکامی فرد در ازدواجش مؤثر می‌باشند (آدامز^{۱۲}، ۱۹۹۹). از اواخر قرن بیستم هم‌زمان با توجه بیشتر به احساسات مثبت، مفهوم «شادکامی زناشویی»^{۱۳} موضوع پژوهش محققان متعددی قرار گرفت. شادکامی زناشویی، اصطلاحی است که به میزان شادکامی افراد در ازدواجشان اشاره دارد.

کمپ داش، تیلور و کراگر^{۱۴} (۲۰۰۸) شادکامی زناشویی را عبارت از ارزیابی کلی فرد از میزان شادکامی در ابعاد مختلف ازدواجش تعریف می‌کنند. شادکامی زناشویی مهم‌ترین فاکتور برای پیش‌بینی شادکامی کلی در زنان و مردان است و افرادی که سطوح پایین‌تری از شادکامی در ازدواجشان را گزارش کردند، سلامت روان‌شناختی پایین‌تری داشتند (گلن و ویور، ۱۹۸۱). در مطالعات گاتمن و نوتاریوس^{۱۵} (۲۰۰۲) نیز نشان داده شده است افرادی که در یک ازدواج پایدار باقی می‌مانند، دامنه گسترده‌تری از شادکامی زناشویی را گزارش کرده‌اند. گاتمن از شادکامی زناشویی به عنوان احساس افراد درباره ازدواج یاد کرده است. افرادی که شادکامی زناشویی داشته‌اند در مقایسه با هم‌متایان‌شان که شادکامی زناشویی نداشته‌اند کارکرد بهتر، روابط جنسی منظم‌تر و رضایت‌بخش‌تری در روابط زناشویی مطرح کرده‌اند؛ همین‌طور احتمال طلاق آنها در آینده درصد بسیار کمتری دارد (ساندهیا^{۱۶}، ۲۰۰۹).

در مورد این‌که چه عواملی در شادکامی در ازدواج و شادکامی زناشویی نقش دارند، تحقیقات متعددی در کشورهای دیگر انجام گرفته است. در پژوهشی که توسط العثمان^{۱۷} (۲۰۱۲) در امارات انجام شده است، نتایج حاکی از رابطه معنادار بین ارتباطات، تحصیلات، جنسیت، محل سکونت، سلامت، اندازه خانواده و مذهب زوجین با شادکامی زناشویی گزارش شده است. در پژوهشی دیگر که توسط سلیم^{۱۸} (۲۰۰۸) با عنوان رضایت از زندگی و شادکامی در ترکیه انجام شده است، نتایج حکایت از رابطه مثبت سلامتی، درآمد و اشتغال با شادکامی داشته است و افزایش تعداد فرزندان، کاهش شادکامی در ازدواج را نشان داده است. به طور کلی، نتایج این تحقیقات به طور عمده به عوامل جمعیت‌شناختی از قبیل سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، تعداد فرزندان، مذهب و عواملی مانند ارتباط همسران به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی اشاره دارد. به نظر می‌رسد علاوه بر عوامل جمعیت‌شناختی، دسته دیگری از عوامل نیز وجود دارند که در شادکامی زناشویی نقش دارند. این عوامل شامل مقدار زمان سپری شده با یکدیگر، حل مسئله و روابط عاطفی، رضایت جنسی، تعادل بین کار و خانواده، ارتباط و دلبستگی و خصوصیات فردی باشد (صادقی، ۱۳۸۹).

از آن‌جایی که در هر جامعه شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل بومی و خاص فرهنگ مردمان آن جامعه نیز تأثیر می‌گیرد و با وجود آن‌که ازدواج، سنتی مشترک در بین جوامع مختلف است، اما اساساً مقوله‌ای وابسته به فرهنگ است (کیتایاما و کوهن^{۱۹}، ۲۰۰۷)، به نظر می‌رسد در مورد نقش عوامل در شادکامی زناشویی در فرهنگ‌های مختلف نتایج پژوهش‌ها تفاوت داشته باشد. به عنوان نمونه، اگرچه تعهدات اجتماعی، یکی از ویژگی‌های تعریف ازدواج در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی است، ولی چنین تعهداتی به عنوان موانع برای رسیدن به شادکامی شخصی در فرهنگ غربی در نظر گرفته می‌شود (لوکاس و همکاران^{۲۰}، ۲۰۰۸). نتایج بررسی الگوهای ارتباطی زوجها در فرهنگ‌های مختلف به صورت همگرا نشان داد که علی‌رغم وجود برخی شباهت‌های فرهنگی در برخی رفتارها در تعامل‌های زوجین، در نظر گرفتن بروز این رفتارها با توجه به بافتی است که زوجین در آن زندگی می‌کنند (هالفورد، هالوگ و دون^{۲۱}، ۱۹۹۰). به عنوان نمونه،

زوج‌های شادمان و ناشادمان آلمانی به طور معناداری بیش از زوجین ناشادمان استرالیایی پاسخ‌های کلامی منفی داشتند. در واقع زوجین شاد آلمانی و زوجین ناشاد استرالیایی به طور قابل توجهی از لحاظ پاسخ‌های کلامی در الگوهای ارتباطی شباهت داشتند (هالفورد و همکاران، ۱۹۹۰).

بدین ترتیب در شادکامی زناشویی زوجین ایرانی نیز انتظار می‌رود به جز عوامل مشترک مذکور، عوامل تأثیرگذار وابسته به فرهنگ دیگری نیز نقش‌آفرین باشند. سؤالی که در این‌جا با توجه به تفاوت‌های فرهنگی مطرح می‌شود آن است که چه عوامل خاصی در بافت فرهنگ ایرانی وجود دارند که با شادکامی زناشویی زوجین ایرانی رابطه دارند؟ بنابراین با توجه به نقش بااهمیت شادکامی زناشویی در کیفیت روابط زوجین و تفاوت‌های فرهنگی گزارش شده در این زمینه و نیز فقدان پژوهش‌هایی که با روش کیفی در پی دستیابی به این الگو در فرهنگ ایرانی باشد، پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی در زنان و مردان متأهل ایرانی بپردازد و بر اساس آن الگوی پیشنهادی پیش‌بینی‌کننده شادکامی را ارائه نماید.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: در این مطالعه روش تحقیق، ترکیبی از روش‌های تحقیق کمی و کیفی (نظریه زمینه‌ای) است. جامعه آماری پژوهش حاضر زنان و مردان متأهل ۲۰ تا ۵۰ ساله ساکن شهر تهران می‌باشند. در پژوهش کیفی، برای پژوهشگر مهم است با افرادی مصاحبه کند که بیشترین اطلاعات را در مورد موضوع مورد نظر دارند و می‌توانند به پژوهشگر برای رسیدن به درک روشنی از موضوع پژوهشی کمک کنند؛ در نتیجه معیار ورود نمونه در این پژوهش زنان و مردان متأهل می‌باشند که حداقل دو سال از زندگی مشترک‌شان سپری شده باشد. معیار خروج، افرادی بودند که نمرات پایین‌تر از میانگین در پرسش‌نامه‌های رضایت و شادکامی زناشویی داشتند.

در مرحله اول نمونه‌گیری به صورت در دسترس بوده است و ۸۰ عدد پرسش‌نامه اتریچ چهار مقیاسی، شادکامی زوجین تگریان (۱۳۸۷) و فرم جمعیت‌شناختی بین زنان و مردان متأهل در میادین پررفت و آمد، پارک‌ها و خانه‌های سلامت در شهر تهران پخش شد. پژوهشگر تلاش کرد تا با ارائه توضیحاتی راجع به اهداف و روند پژوهش و همچنین اطمینان‌بخشی به افراد از بابت محرمانه بودن اطلاعات و ناشناس ماندن ایشان، رضایت ایشان را برای شرکت در پژوهش جلب نماید (فرم رضایت اخلاقی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گرفت که در این فرم تأکید شده است این اطلاعات صرفاً جنبه پژوهش دارد و نتایج آن به صورت گروهی منتشر خواهد شد و نام فردی فاش نخواهد شد). پرسش‌نامه‌ها از بین افراد داوطلب در همان زمان جمع‌آوری شده‌اند و شرکت‌کنندگانی که تمایل به همکاری نشان دادند شماره تماس‌شان برای مرحله بعدی پژوهش گرفته شد.

در مرحله بعد، نمرات رضایت و شادکامی زناشویی برای ۶۷ پرسش‌نامه‌ای که کامل پاسخ داده شده بود با استفاده از روش‌های آمار توصیفی محاسبه شد. این اطلاعات در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: خصوصیات توصیفی گروه نمونه در مرحله اول نمونه‌گیری

انحراف استاندارد	میانگین	خصوصیات
۷/۷۹	۳۷/۴۰	سن
۸/۲۷	۱۴/۲۱	سال‌های ازدواج
۲۱/۵۱	۹۱/۰۸	نمره رضایت زناشویی
۳۷/۲۲	۱۱۸/۶۷	نمره شادکامی زناشویی

سپس، از بین افراد متأهل مرحله اول افرادی که در هر دو پرسش‌نامه رضایت زناشویی و شادکامی تگریان نمرات بالاتر از میانگین کسب کرده بوده‌اند و خود نیز اذعان داشتند که از زندگی زناشویی خود رضایت دارند و احساس شادکامی می‌کردند، به صورت هدفمند انتخاب شدند (۲۵ نفر). مصاحبه با این ۲۵ فرد متأهل آغاز شد و در نهایت با مصاحبه ۲۰ نفر داده‌ها به اشباع رسیده است. از این ۲۰ نفر، ۱۶ نفر زن و ۴ نفر مرد بودند. دامنه سنی آنها بین ۲۰ تا ۵۰ سال و میانگین طول زندگی مشترک آن‌ها ۱۶/۶ سال می‌باشد. همچنین سه نفر از آن‌ها فاقد فرزند بوده و بقیه بین یک تا سه فرزند داشتند. سطح تحصیلات از زیر دیپلم تا کارشناسی ارشد متغیر بود. تمامی مصاحبه‌شوندگان یکی از دو سبک همسرگزینی «خواستگاری سنتی و با میل و رضایت خود ازدواج کردیم» و یا «عاشق همسرم شدم و با رضایت خانواده‌ها ازدواج کردیم» را داشتند.

جدول ۲: خصوصیات توصیفی گروه نمونه در مرحله دوم نمونه‌گیری

انحراف استاندارد	میانگین	خصوصیات زنان
۷/۷	۳۹/۱	سن
۸/۰۹	۱۷/۰۳	سال‌های ازدواج
۱۵/۰۴	۱۲۷/۸۱	نمره رضایت زناشویی
۱۶/۱۵	۱۸۹/۴۳	نمره شادکامی زناشویی
انحراف استاندارد	میانگین	خصوصیات مردان
۹/۶	۳۸/۲۵	سن
۱۱/۷	۱۴/۸	سال‌های ازدواج
۵/۱	۱۲۱/۳۵	نمره رضایت زناشویی
۹/۱	۱۹۸	نمره شادکامی زناشویی

برای انجام مصاحبه نیز روندی که طی شده است بدین صورت بوده است که با مراجعه به متون و ادبیات تحقیقاتی، مطالعه‌ای انجام شد و عوامل مؤثر بر شادکامی بررسی گردید و سؤالات و مواد بحث گروهی متمرکز و مصاحبه عمقی با نظارت استادان متخصص استخراج شد. سپس گروه متمرکز از چهار متخصص زوج درمانگر تشکیل شد و سؤال‌هایی از این متخصصان در مورد تفاوت رضایت زناشویی و شادکامی زناشویی و عوامل پیش‌بینی‌کننده شادکامی زوجین پرسیده شد. معیار تشکیل گروه متمرکز، تجربه کاری این متخصصان در حوزه زوج‌درمانی بوده است. در این جلسه ابتدا موضوع تعریف شادکامی زناشویی مطرح شد و سپس پیرامون این موضوع به سؤالاتی چون به نظر شما تعریف شادکامی ازدواج در ایران با تعریف آن در جوامع دیگر تفاوت قابل‌ذکری دارد؟ به طور کلی، به نظر شما چه عواملی بر شادکامی ازدواج تأثیر می‌گذارند؟ این عوامل چگونه بر شادکامی ازدواج تأثیر می‌گذارند؟ به نظر شما رضایت زناشویی با شادکامی ازدواج تفاوت

دارد؟ پرسیده شد. به دلیل حاضر نشدن دو متخصص دیگر در این جلسه به صورت جداگانه با آن‌ها مصاحبه شد. پس از پایان جلسه، داده‌های ضبط شده با عبارات به دست آمده از پیشینه پژوهش ادغام و یکپارچه شد و به رشته تحریر درآمد و سؤالات مصاحبه با افراد متأهل تحت نظر متخصصان طراحی شد.

در مرحله بعد نمونه‌گیری انجام شد و با افراد نمونه مصاحبه انجام شد. بعد از انجام هر مصاحبه، نسخه‌برداری کلامی انجام شد. نسخه‌برداری کلامی، تهیه یک نوشته ثبت شده از یک مصاحبه یا بحث گروهی برای تحلیل داده‌ها است (ابوالمعالی^{۲۲}، ۱۳۹۱). بعد از نسخه‌برداری، فرآیند کدگذاری آغاز شد. اولین مرحله از کدگذاری، کدگذاری باز^{۲۳} می‌باشد. نام‌گذاری مفهیمی که بیانگر رویدادهای قطعی و دیگر نمونه‌های پدیده‌ها هستند. در مرحله بعد کدگذاری محوری^{۲۴} انجام شد. کدگذاری محوری، رویه‌ای است که از طریق آن داده‌ها در فرآیندی مستمر با هم مقایسه می‌شوند تا پیوند بعد از کدگذاری باز بین مقوله‌ها مشخص شود و در نهایت کدگذاری انتخابی^{۲۵} است که به فرآیند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با دیگر مقوله‌ها، ارزش‌گذاری روابط آن‌ها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تأیید و توسعه بیشتری دارند، اشاره می‌کند (دانابی‌فرد^{۲۶}، ۱۳۸۴). در نهایت با کشف روابط بین مقولات مربوط به شادکامی زناشویی توسط پژوهشگر، الگوی پیشنهادی برای شادکامی افراد متأهل ارائه شده است.

ابزار پژوهش

پرسشنامه زوجی انریچ^{۲۷}: این مقیاس یک پرسش‌نامه خودگزارش‌دهی کوتاه با ۳۵ ماده در ۴ مقیاس است که به منظور تشخیص زمینه‌های قدرت و پربارسازی رابطه زوج‌ها طراحی شده است. زمینه‌های ارتباط در این پرسش‌نامه در خصوص رضایت‌مندی زناشویی، مهارت‌های ارتباطی، چگونگی حل اختلاف و تحریف آرمانی است. گستره نمرات این آزمون می‌تواند برای سه مقیاس رضایت‌مندی زناشویی، مهارت‌های ارتباطی و چگونگی حل اختلاف از ۱۰ تا ۵۰ و برای مقیاس تحریف آرمانی از ۵ تا ۲۵ باشد. پرسش‌نامه به صورت لیکرتی می‌باشد و برای هر کدام از ماده‌ها پنج گزینه از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» را شامل می‌شود که به ترتیب نمره ۱ تا ۵ به آن‌ها تعلق می‌گیرد (اولسون^{۲۸}، ۲۰۰۶).

صادقی (۱۳۸۹) برای بررسی مولفه‌های روان‌سنجی این آزمون، روایی و اعتبار این آزمون را محاسبه نموده است. در روایی توافقی نتایج همبستگی این آزمون با نمره MAT محاسبه شد که نتایج نشان داد که همبستگی این آزمون‌ها با یکدیگر در دامنه $I = 73$ و $p < 0/01$ قرار دارد. هم‌چنین روایی تفکیکی این ابزار نیز از طریق تفاوت‌های گروهی و با استفاده از آزمون t انجام شد. نتایج آزمون t نشان داد که نمره کلی انریچ و نیز ۴ مقیاس آن در بین دو گروه افراد سازگار و ناسازگار تفاوت معنادار دارد. هم‌چنین اعتبار این آزمون از طریق همسانی درونی و با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۷ و برای مقیاس‌های آن از ۰/۷ (تحریف ادراکی) تا ۰/۹۱ (رضایت زوجین) محاسبه شده است (صادقی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر اعتبار این آزمون از طریق همسانی درونی و با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۹۱ و برای مقیاس‌های آن از ۰/۷۰ (حل تعارض) تا ۰/۸۱ (تحریف ادراکی) محاسبه شده است.

پرسش‌نامه شادکامی زوجین^{۲۹} (MHI): پرسش‌نامه شادکامی زوجین، با استفاده از ابعاد پرسش‌نامه شادکامی فوردایس^{۳۰} (۱۹۸۸) توسط تگریان (۱۳۸۷) ساخته شده است. ابعاد این پرسش‌نامه عبارت است از:

شادکامی کلی (سؤالات ۱ تا ۳)، فعالیت (سؤالات ۴ تا ۶)، روابط اجتماعی (سؤالات ۷ تا ۹)، از بین بردن احساسات منفی (سؤالات ۱۰ تا ۱۲)، خوش‌بینی (سؤالات ۱۳ تا ۱۵)، بیان احساسات (سؤالات ۱۶ تا ۱۸)، سطح توقعات پایین (سؤالات ۱۹ تا ۲۱)، خود بودن (سؤالات ۲۲ تا ۲۴)، صمیمیت (سؤالات ۲۵ تا ۲۷)، برنامه‌ریزی (سؤالات ۲۸ تا ۳۰)، توجه به زمان حال (سؤالات ۳۱ تا ۳۳)، اولویت دادن به شادکامی (سؤالات ۳۴ تا ۳۶)، خلاقیت (سؤالات ۳۷ تا ۳۹)، دوری از نگرانی (سؤالات ۴۰ تا ۴۲)، پرورش شخصیت سالم (سؤالات ۴۳ تا ۴۵) و پرورش شخصیت اجتماعی (سؤالات ۴۶ تا ۴۸). بر این اساس، ۴۸ سؤال برای این پرسش‌نامه در نظر گرفته شده است؛ به این صورت که به هر بعد سه گویه اختصاص داده شده است. پرسش‌نامه به صورت لیکرتی می‌باشد. هر سؤال در طیف لیکرت، به صورت پنج گزینه از کاملاً موافقم (نمره پنج) تا کاملاً مخالفم (نمره یک) نمره‌گذاری می‌شوند. سؤالات ۲، ۱۹، ۲۰، ۲۴ و ۴۴ به صورت معکوس و سایر سؤالات به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند.

تگریان (۱۳۸۷) مطالعه‌ای جهت بررسی روایی و اعتبار این ابزار انجام داده است. جهت تعیین روایی همگرا، از آزمون شادکامی آکسفورد^{۳۱} (۲۰۰۲) و به منظور تعیین روایی واگرا از آزمون افسردگی بک روی زوجین استفاده شده است. در نهایت، نمرات شادکامی زوجین با نمره افسردگی همبستگی منفی و با نمرات آزمون شادکامی آکسفورد همبستگی مثبت نشان داده است. برای محاسبه اعتبار نیز چند روش به کار برده شده است. برای تعیین همسانی درونی، روش آلفای کرونباخ ۰/۸ را نشان داده است. همچنین به روش اسپیرمن براون ضریب ۰/۷۵ و به روش گوتمن ضریب ۰/۷ محاسبه شده است (تگریان، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر اعتبار این آزمون از طریق همسانی درونی و با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۹۵ و از برای مقیاس‌های آن از ۰/۵۲ (شادکامی کلی) تا ۰/۹۳ (توجه به زمان حال) محاسبه شده است.

مصاحبه: داده‌ها در این پژوهش از طریق مصاحبه عمیق^{۳۲} با زنان و مردان متأهلی که رضایت زناشویی و شادکامی زناشویی بالایی داشتند به دست آمد. علاوه بر مصاحبه عمیق با افراد نمونه، یک جلسه مصاحبه در ابتدای پژوهش با گروه متمرکز از متخصصان زوج‌درمانگر انجام گرفت و دو مصاحبه با دو متخصص دیگر که نتوانستند در جلسه با گروه متمرکز حاضر شوند انجام شده است. با مرور پیشینه پژوهشی و تحلیل کیفی داده‌هایی که از طریق مصاحبه با گروه متمرکز متخصصان زوج‌درمانگر جمع‌آوری شده بود، ۱۶ سؤال در خصوص عوامل تأثیرگذار بر احساس رضایت و شادکامی بر اساس تجربه افراد متأهل برای مصاحبه با آنها طراحی شد.

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، برای اطمینان از صحت داده‌ها، داده‌های تحلیل شده با مشارکت‌کنندگان چک می‌شد. همچنین برای بالا بردن اعتبار و مقبولیت کدها از روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم استفاده شده است. به این شکل که داده‌ها متناوباً در اختیار متخصصان قرار داده می‌شد و و همسانی برداشت ایشان به تأیید کدگذاری انجام گرفته توسط پژوهشگر انجامید. همچنین اطلاعات جمعیت‌شناختی متأهلان از جمله سن، جنس، طول زندگی مشترک، سطح تحصیلات، سطح تقریبی درآمد، نوع مذهب، تعداد فرزندان و سبک همسرگزینی از طریق فرم مشخصات جمعیت‌شناختی به دست آمده است.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌ها، چهار دسته از عوامل، رضایت و شادکامی زناشویی را به وجود می‌آورند. این چهار دسته، شامل عوامل جمعیت‌شناختی، عوامل درون فردی، عوامل بین‌فردی و عوامل مربوط به خانواده‌ها می‌شوند. عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر رضایت‌مندی و شادکامی زناشویی، فاصله سنی، تحصیلات، درآمد، سبک همسرگزینی و فرزند می‌باشند. عوامل درون‌فردی به دو دسته ویژگی‌های فردی خود و ویژگی‌های فردی همسر تقسیم می‌شوند که ویژگی‌های فردی خود فرد، شامل گذشت و ارزیابی فرد و نوع استانداردها و ویژگی‌های فردی همسر، شامل قابل اعتماد بودن، انعطاف‌پذیری و طرز رفتار می‌باشد. عوامل بین‌فردی به دو بازه زمانی قبل از ازدواج و بعد از ازدواج تقسیم می‌شود. عوامل مؤثر تعاملی زوجین قبل از ازدواج، علاقه، آشنایی قبل از ازدواج و تناسب ویژگی‌های شخصیتی می‌باشند و عوامل مؤثر تعاملی زوجین بعد از ازدواج، درک متقابل، احترام، پذیرش، گفت‌وگو، همکاری، ابراز محبت، تفاهم و شبیه بودن ارزش‌ها و باورهای مذهبی هستند. خانواده‌ها از دیگر عوامل پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی هستند که شامل مؤلفه‌هایی است که هم قبل از ازدواج و هم بعد از ازدواج پیش‌بینی‌کننده رضایت و شادکامی زن و شوهر می‌باشند. این مؤلفه‌ها، رضایت خانواده‌ها، هم‌سطح بودن خانواده‌ها و شباهت فرهنگ خانواده‌ها از قبل از ازدواج و حمایت خانواده‌ها و عدم دخالت خانواده‌ها بعد از ازدواج هستند. ابتدا به برخی جملات شرکت‌کنندگان در عامل‌های مختلف اشاره می‌شود. در جدول ۳ این مفاهیم و مقولات نمایش داده شده است.

مقوله هسته‌ای "عوامل بین‌فردی در پیش‌بینی شادکامی زناشویی"

بیشتر عواملی که از نظر مصاحبه‌شوندگان موجب رضایت زناشویی می‌شوند و به پیش‌بینی شادکامی زناشویی کمک می‌کنند، تحت عنوان **عوامل بین‌فردی** قرار می‌گیرند.

عوامل مؤثر تعاملی زوجین قبل از ازدواج: مانند علاقه، فرد شماره ۱: «به نظر من خوب است که دو نفر همدیگر را بخواهند و شدیداً به هم علاقه‌مند شوند، ولی یک مقدار تفکر هم توی انتخاب باشد خیلی بهتر است. معمولاً این تفکرها را خانواده‌ها انجام می‌دهند. اوایل از ازدواج علاقه عمیق نیست، ولی به مرور زمان علاقه عمیق‌تر می‌شود و وابستگی‌های بیشتری به وجود می‌آید».

عوامل مؤثر تعاملی زوجین بعد از ازدواج: مانند درک متقابل، فرد شماره ۶: «همین مسئله که اگر من حرفی بزنم شوهرم می‌فهمد و درک می‌کند، حس شادی می‌آورد» و شبیه بودن ارزش‌ها و باورهای مذهبی: فرد شماره ۴: «نظر خودم این است که باورهای مذهبی شبیه باشند. مثالش در اطرافیان مان هست. مثلاً شوهر دوست دارد راحت باشد و خیلی اهل رعایت مسائل نیست، ولی خانم برعکس است. همین مسئله باعث اختلاف شده است. به نظر من اگر می‌خواهند این مسائل را رعایت کنند، عین هم باشند و اگر می‌خواهند رعایت نکنند هم عین هم باشند. اگر یکی مذهبی باشد و دیگری نباشد، زندگی دوام نخواهد داشت. باید شبیه هم باشند والا مشکل پیش می‌آید».

مقاله هسته‌ای "خانواده"

نقش خانواده‌ها قبل ازدواج: مانند رضایت خانواده‌ها، فرد شماره ۱۳: «من معتقدم هم‌علاقه باشد و هم خانواده‌ها صحنه بگذارند و خودم هم همین‌طور ازدواج کردم. با شوهرم در دانشگاه آشنا شدم و با هم صحبت کردیم، ولی بعد نظر خانواده‌ها خیلی برایم مهم بود. رضایت خانواده‌ها خیلی مهم بود، اگر رضایت خانواده‌ها نبود، خودم نمی‌توانستم تصمیم بگیرم».

نقش خانواده‌ها بعد ازدواج: مانند عدم دخالت خانواده‌ها، فرد شماره ۱۰: «اغلب مشکلات دو نفری هستند و در این صورت معنی ندارد که در خانواده مطرح شود. چون پدر و مادرها از سر دلسوزی یک چیزی می‌گویند و اغلب اوقات بدتر می‌کنند. این‌که دختر و پسر شده بعد یک ماه هم مشکل‌شان را حل کنند، خیلی بهتر از این است که با خانواده‌ها در میان بگذارند. چون ممکن است خود دختر و پسر این قضیه را فراموش کنند، ولی خانواده‌ها فراموش نمی‌کنند و موج منفی می‌فرستند. دو نفری راحت‌تر قابل چشم‌پوشی است، ولی وقتی خانواده‌ها بدانند خیلی عواقبش بیشتر است».

مقاله هسته‌ای "عوامل درون‌فردی در پیش‌بینی شادکامی زناشویی"

گذشت: فرد شماره ۶: «به نظر من گذشت و بردباری توی زندگی خیلی مهم است. وقتی گذشت باشد، خیلی از مشکلات پیش نمی‌آید. مثلاً اگر شوهرم بخواد برود فلان جا، من بگویم که نمی‌آیم به مشکل برمی‌خوریم، ولی اگر من همراهش باشم یک جای دیگر او گذشت می‌کند و کوتاه می‌آید».

شخصیت فرد: فرد شماره ۳: «رضایت و شادی خیلی متفاوت هستند. فکر می‌کنم حس شادی به خصوصیات اخلاقی آدم‌ها برمی‌گردد. خیلی طرف مقابل هم تأثیر ندارد. بعضی آدم‌ها ذاتاً شاد هستند. این خیلی تأثیر دارد. بعضی‌ها در هر شرایطی آدم‌های شوخ‌طبعی هستند. طنز می‌گویند و شرایط شاد بودن را دارند. من احساسم این است که خیلی به طرف مقابل ربطی ندارد، البته بی‌ربط هم نیست. شما اگر وارد خانواده‌ای بشوید که خیلی بذله‌گو هستند مطمئناً شما هم تحت تأثیرش قرار می‌گیرید، ولی فکر می‌کنم بیشتر به شخصیت خود آدم بستگی دارد».

مقاله هسته‌ای "عوامل جمعیت‌شناختی پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی"

فاصله سنی: فرد شماره ۴: «داریم توی فامیل خانم‌هایی را که دوست دارند به سینما بروند، ولی شوهرشان حوصله این کارها را ندارد و فقط می‌نشینند پشت کامپیوتر، کارهای خودشان را انجام می‌دهند و سرکار می‌روند و خیلی با هم نیستند».

تحصیلات: فرد شماره ۱۳: «به نظرم زن و شوهر باید هم‌سطح باشند. یک آدم بی‌سواد با یک آدم بی‌سواد بهتر می‌سازد. من خودم چون تحصیل کرده بودم هیچ وقت یک شوهر کم‌سواد را نمی‌پذیرفتم. حتماً شوهر من هم باید باسواد باشد. سواد خیلی تأثیر دارد».

جدول ۳: مفاهیم اولیه، مقولات عمده و هسته‌ای در رضایت و شادگامی زناشویی

مقولات هسته‌ای	مقولات عمده	مفاهیم اولیه
عوامل بین‌فردی	عوامل مؤثر تعاملی زوجین قبل ازدواج	علاقه
		آشنایی قبل ازدواج
		تناسب ویژگی‌های شخصیتی
	عوامل مؤثر تعاملی زوجین بعد ازدواج	درک متقابل
		احترام
		پذیرش
		گفت‌وگو
		همکاری
		ابراز محبت
		تفاهم
شبیه بودن ارزش‌ها و باورهای مذهبی		
خانواده	نقش خانواده‌ها قبل ازدواج	رضایت خانواده‌ها برای ازدواج
		هم سطح بودن خانواده‌ها
		شباهت فرهنگ خانواده‌ها
	نقش خانواده‌ها بعد ازدواج	حمایت خانواده‌ها
عدم دخالت خانواده‌ها		
عوامل درون فردی	ویژگی‌های فردی فرد	گذشت
		ابعاد شخصیتی (مانند برون‌گرایی)
		نوع استانداردهای فرد
	ویژگی‌های فردی همسر وی	نوع درک و ارزیابی فرد
		قابل اعتماد بودن
		انعطاف‌پذیری
عوامل جمعیت‌شناختی	فاصله سنی	طرز رفتار همسر
		تفاوت در علایق
	تحصیلات	اختلاف طرز تفکر
		تحصیلات برابر
	فرزند	هدف‌مندی
		تحمل مشکلات
درآمد	رفع نیازها	
	رفاه نسبی	

الگوی پیشنهادی پیش‌بینی‌کننده شادگامی زناشویی در افراد متأهل ایرانی به چه شکل است؟
 براساس نظریه زمینه‌ای و با توجه به اطلاعات به دست آمده به شرح الگوی پیشنهادی پرداخته می‌شود.
 یک پارادایم^{۳۳} در نظریه زمینه‌ای شامل «شرایط علی»^{۳۴}، «پدیده»^{۳۵}، «زمینه»^{۳۶}، «شرایط مداخله‌گر»^{۳۷}،
 «راهبردهای کنش و کنش متقابل»^{۳۸} و «پیامدها»^{۳۹} می‌باشد (استراس و کوربین^{۴۰}، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵).

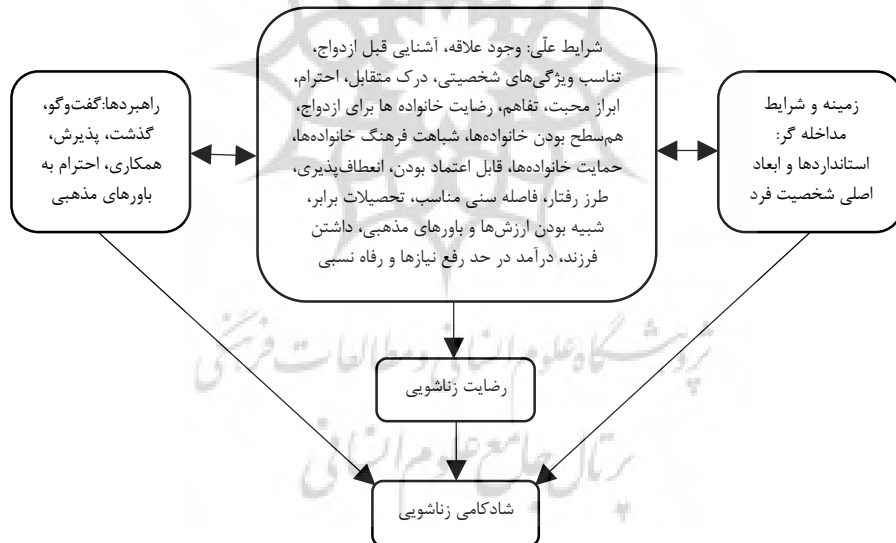
شرایط علی: به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که به وقوع یا توسعه یک پدیده منجر می‌شوند (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). طبق صحبت‌های افراد نمونه، وجود یکسری عوامل برای به وجود آمدن شادکامی زناشویی لازم است. البته شاید بتوان گفت اگرچه مفهوم «پیشایندها» برای این عوامل مناسب‌تر به نظر می‌رسد، ولی مطابق با آنچه در پارادایم تعریف شده است، این عوامل «شرایط علی» به شمار می‌آیند. از نظر افراد نمونه، فاصله سنی مناسب، تحصیلات برابر، درآمد در حد رفع نیازها و رفاه نسبی و رضایت خود فرد برای ازدواج همگی از عوامل پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی هستند. این عوامل زیرمجموعه عوامل جمعیت‌شناختی قرار می‌گیرند. علاوه بر این عوامل، افراد متأهل به یکسری از ویژگی‌های فردی همسر خود به عنوان عواملی که موجب رضایت‌مندی و شادکامی‌شان می‌شود، اشاره کردند. این عوامل، قابل اعتماد بودن، انعطاف‌پذیری و طرز رفتار همسر را شامل می‌شد. این عوامل زیرمجموعه عوامل درون‌فردی قرار می‌گیرند. علاقه به همسر، داشتن آشنایی قبل از ازدواج، تناسب ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر، درک متقابلی که از هم دارند، احترامی که به هم می‌گذارند، ابراز محبتی که به هم می‌کنند، تفاهمی که دارند و شبیه بودن ارزش‌ها و باورهای مذهبی، همگی عوامل مؤثر بر رضایت و شادکامی زناشویی از دید افراد نمونه بود. این عوامل زیرمجموعه عوامل بین‌فردی قرار می‌گیرند. از نظر مصاحبه‌شوندگان، رضایت خانواده‌ها، هم‌سطح بودن خانواده‌ها، شباهت فرهنگ خانواده‌ها، حمایت خانواده‌ها و عدم دخالت خانواده‌ها برای رضایت و شادکامی در ازدواج حائز اهمیت هستند. تمامی این عوامل زمینه را برای این‌که یک فرد در ازدواج خود احساس رضایت بکند یا نه، فراهم می‌کنند. البته میزان اهمیت این عوامل از فردی به فرد دیگر متفاوت بود.

پدیده ناشی از شرایط علی: «پدیده» به معنای ایده، حادثه، رویداد و واقعه اصلی است (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). پدیده در این پارادایم، رضایت زناشویی است، به این دلیل که تمام عناصر این پارادایم با رضایت زناشویی در ارتباط هستند. بر اساس صحبت افراد نمونه، رضایت زناشویی ارتباط تنگاتنگی با شادکامی زناشویی دارد.

زمینه و شرایط مداخله‌گر: «زمینه» مجموعه خاص ویژگی‌های مربوط به پدیده است (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). میزان رضایت زناشویی در افراد مختلف، متفاوت است. تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش از رضایت زناشویی بالایی برخوردار بودند. در نتیجه، میزان بالای رضایت زناشویی، زمینه لازم برای به وجود آمدن شادکامی زناشویی است. «شرایط مداخله‌گر» تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). شرایط مداخله‌گر بر شرایط علی تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش، شرایط مداخله‌گر، شخصیت فرد و انتظاراتی است که یک فرد از رابطه زناشویی و همسرش دارد. به این معنی که حتی اگر تمامی شرایط ذکر شده برای شادکامی زناشویی فرد فراهم باشد، ممکن است فرد متأهل احساس شادی نکند. در نتیجه برای این‌که یک فرد در ازدواج خود

احساس شادی کند، تا حد زیادی به شخصیت فرد و این‌که تا چه حد انتظاراتش از زندگی مشترک و همسر خوب برآورده شده باشد، بستگی دارد.

راهبردهای کنش و کنش متقابل: به مدیریت، اداره کردن، انتقال دادن یا پاسخ دادن به پدیده تحت شرایط خاص اشاره دارد (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). به کارگیری این استراتژی‌ها بازگرداندن رابطه به وضعیت متعادل و مطلوب و بالا بردن ابعاد کیفی آن است. از آن‌جا که خوب زندگی کردن، مطلوب همه افراد است، از طریق این استراتژی‌ها برای بالا بردن کیفیت زندگی زناشویی خود می‌کوشند. یکی از استراتژی‌هایی که افراد نمونه از آن بهره می‌برند، استفاده از گفت‌وگو برای حل مشکلاتشان بود. به این معنی که سعی می‌کنند تا با مطرح کردن مشکلات با همسرشان و بدون دخالت دادن خانواده‌ها به یک راه‌حل برای آن مشکل برسند. گذشت از دیگر راهبردهایی بود که تنها زنان متأهل حاضر در این نمونه به آن اشاره کردند. راهبرد دیگر، پذیرش داشتن نسبت به تفاوت‌های فردی بین خود و همسر بود. افراد نمونه اعتقاد داشتند که دو نفر هیچ وقت شبیه هم نمی‌شوند، پس باید نسبت به تفاوت‌های کوچک پذیرش داشت. یکی دیگر از راهبردهایی که می‌توان به آن اشاره کرد، همکاری بود. زنان و مردان متأهل عنوان کردند که در زندگی مشترک باید با همسر همکاری داشت. احترام به باورهای مذهبی همسر در صورت متفاوت بودن باورهای مذهبی زن و شوهر هم از راهکارهایی بود که افراد متأهل برای حفظ رضایت از زندگی زناشویی به آن اشاره کردند.



شکل ۱: الگوی پیشنهادی پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی

پیامدها: به برون‌داد و نتایج کنش و کنش متقابل اشاره می‌کنند (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). شادکامی زناشویی، از تعامل شرایط علی، زمینه و شرایط مداخله‌گر به وجود می‌آید. در نتیجه، پیامد در این پارادایم همان شادکامی زناشویی است که در صورت فراهم بودن شرایط علی برای شادکامی زناشویی و به وجود آمدن سطح بالایی از رضایت، برآورده شدن استانداردهای فرد از یک ازدواج و همسر خوب و این‌که فرد شخصیت شادی داشته باشد و با به کارگیری راهبردهایی مؤثر برای بهتر شدن زندگی مشترک، به وجود می‌آید. فرآیندی که شرح داده شد، در قابل ملاحظه است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش آشکار ساخت که شادکامی زناشویی اگرچه به مفهوم رضایت زناشویی بسیار نزدیک است، ولی متفاوت از آن می‌باشد و گستره وسیع‌تری از رضایت زناشویی دارد. رضایت از شرایط موجود، حداقل و کف شادکامی است و برای شادکامی باید حداقل رضایت به سطوح بالاتری برسد. چهار دسته از عوامل، رضایت و شادکامی زناشویی را به وجود می‌آورند. در مورد تأثیر عوامل بین‌فردی بر شادکامی زوجین، نتایج این پژوهش همسو با پژوهش پژوهشگران در تبیین نتایج فوق اشاره داشته‌اند که زوج‌های راضی که ازدواج‌های طولانی‌مدت و پایدار داشته‌اند، به جنبه‌های مثبت قضا یا نگاه می‌کنند و بر نقاط قوت آن تمرکز می‌کنند. هم‌چنین آن‌ها سعی می‌کنند از راهکارهای سازنده استفاده کنند تا خود را با تفاوت‌ها تطبیق دهند و از رابطه لذت ببرند و در پردازش اطلاعات در جهت خوش‌بینی و خوشحالی سوگیری دارند؛ یعنی اطلاعات را طوری پردازش می‌کنند که به شادکامی آن‌ها منجر می‌شود.

هم‌چنین این پژوهش نشان داد که خانواده‌ها با حمایت و عدم دخالت‌شان، نقش مهمی در پیش‌بینی شادکامی زناشویی زوجین دارند که این نتیجه هماهنگ با پژوهش‌های پیشین است. نتایج پژوهش صادقی (۱۳۸۹) هم نشان داد که زوج‌های ایرانی خواهان حمایت خانواده‌ها هستند، ولی دخالت کردن آن‌ها را طرد می‌کنند. خالدی^{۴۱} (۱۳۹۰) در پژوهش خود اشاره کرد که در ازدواج‌های سالم، حمایت از جانب خانواده و دوستان عامل مهمی است. همین‌طور راس، میروسکی و گلدستین^{۴۲} (۱۹۹۰) اظهار کرده‌اند روابط مثبت و خوب با خانواده و اقوام شوهر با رضایت زناشویی بالا رابطه دارد.

در پژوهشی که ساندهیا (۲۰۰۹) انجام داد هم نتایج آشکار ساخت که زوج‌های شاد در مقایسه با زوج‌های ناشاد، سازش، همدلی، تصدیق، حمایت و انتظارات برآورده شده بیشتری گزارش کردند. هم‌چنین در پژوهش آسوده، خلیلی، دانشپور و لواسانی^{۴۳} (۲۰۱۰) نیز نتایج نشان داد که زوج‌های موفق مشکلات‌شان را قبل از این‌که دیگران باخبر شوند، خودشان حل و سعی می‌کنند دیگران از مشکلات زناشویی‌شان آگاه نشوند، وقت بیکاری خود را با هم می‌گذرانند، بر سر مدیریت مالی و مخارج خود توافق دارند، اوقات فراغت خود را با خانواده‌هایشان به مسافرت می‌روند، دوستان خوبی برای هم هستند و به هم احترام می‌گذارند.

به نظر می‌رسد در صورتی که تمامی عواملی که به آن اشاره شد، رضایت زناشویی بالایی را به وجود آورند، این‌که فرد در ازدواج خود احساس شادکامی کند به شخصیت فرد و برآورده شدن انتظارات فرد از ازدواج وابسته است که این‌ها خبر از اهمیت بیشتر عوامل درون‌فردی در ایجاد شادکامی زناشویی می‌دهد. در نتیجه لازمه این‌که یک فرد در ازدواج خود احساس شادکامی کند، این است که شخصیت شادکامی داشته

باشد و عوامل زمینه‌ساز برای رضایت او از ازدواج فراهم باشد. طبق صحبت‌های شرکت‌کنندگان، وجود یکسری عوامل برای به وجود آمدن شادکامی زناشویی لازم است. از نظر این افراد، فاصله سنی مناسب، تحصیلات برابر، درآمد در حد رفع نیازها و رفاه نسبی و رضایت خود فرد برای ازدواج همگی از عوامل پیش‌بینی‌کننده شادکامی زناشویی هستند. این عوامل زیرمجموعه عوامل جمعیت‌شناختی قرار می‌گیرند. علاوه بر این عوامل، افراد متأهل به یکسری از ویژگی‌های فردی همسر خود به عنوان عواملی که موجب رضایت‌مندی و شادکامی‌شان می‌شود، اشاره کردند. این عوامل، قابل اعتماد بودن، انعطاف‌پذیری و طرز رفتار همسر را شامل می‌شد. این عوامل زیرمجموعه عوامل درون‌فردی قرار می‌گیرند. علاقه به همسر، داشتن آشنایی قبل از ازدواج، تناسب ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر، درک متقابلی که از هم دارند، احترامی که به هم می‌گذارند، ابراز محبتی که به هم می‌کنند و تفاهمی که دارند و شبیه بودن ارزش‌ها و باورهای مذهبی آن‌ها، همگی عوامل مؤثر بر رضایت و شادکامی زناشویی از دید افراد نمونه بود. این عوامل زیرمجموعه عوامل بین‌فردی قرار می‌گیرند. از نظر مصاحبه‌شوندگان، رضایت خانواده‌ها، هم‌سطح بودن خانواده‌ها، شباهت فرهنگ خانواده‌ها، حمایت خانواده‌ها و عدم دخالت خانواده‌ها برای رضایت و شادکامی در ازدواج حائز اهمیت هستند. تمامی این عوامل زمینه را برای این که یک فرد در ازدواج خود احساس رضایت بکند یا نه، فراهم می‌کنند. البته میزان اهمیت این عوامل از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده است.

از سویی دیگر پدیده در این پارادایم، رضایت زناشویی است، به این دلیل که تمام عناصر این پارادایم با رضایت زناشویی در ارتباط هستند و «زمینه» مجموعه خاص ویژگی‌ها مربوط به پدیده است (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). میزان رضایت زناشویی در افراد مختلف، متفاوت است. تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش از رضایت زناشویی بالایی برخوردار بودند. در نتیجه میزان بالای رضایت زناشویی، زمینه لازم برای به وجود آمدن شادکامی زناشویی است. «شرایط مداخله‌گر» تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). شرایط مداخله‌گر بر شرایط علی تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش، شرایط مداخله‌گر، شخصیت فرد و انتظاراتی است که یک فرد از رابطه زناشویی و همسرش دارد. به این معنی که حتی اگر تمامی شرایط ذکر شده برای شادکامی زناشویی فرد فراهم باشد، ممکن است فرد متأهل احساس شادکامی نکند. در نتیجه برای این که یک فرد در ازدواج خود احساس شادکامی کند، به ابعاد شخصیت فرد بستگی دارد و این که تا چه حد انتظاراتش از زندگی مشترک و همسر خوب برآورده شده باشد. «راهبردهای کنش و کنش متقابل» به مدیریت، اداره کردن، انتقال دادن یا پاسخ دادن به پدیده تحت شرایط خاص اشاره دارد (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). به کارگیری این استراتژی‌ها بازگرداندن رابطه به وضعیت متعادل و مطلوب و بالا بردن ابعاد کیفی آن است. از آن‌جا که خوب زندگی کردن، مطلوب همه افراد است، از طریق استراتژی‌ها برای بالا بردن کیفیت زندگی زناشویی خود می‌کوشند. یکی از استراتژی‌هایی که افراد نمونه از آن بهره می‌بردند، استفاده از گفت‌وگو برای حل مشکلاتشان بود. به این معنی که سعی می‌کنند تا با مطرح کردن مشکلات با همسرشان و بدون دخالت دادن خانواده‌ها به یک راه‌حل برای آن مشکل برسند. گذشت از دیگر راهبردهایی بود که تنها زنان متأهل حاضر در این نمونه به آن اشاره کردند. راهبرد دیگر، پذیرش تفاوت‌های فردی بین خود و همسر بود. افراد نمونه اعتقاد داشتند که دو نفر هیچ وقت شبیه هم نمی‌شوند، پس باید نسبت به

تفاوت‌های کوچک پذیرش داشت. یکی دیگر از راهبردهایی که می‌توان به آن اشاره کرد، همکاری بود. زنان و مردان متأهل عنوان کردند که در زندگی مشترک باید با همسر همکاری داشت. احترام به باورهای مذهبی همسر در صورت متفاوت بودن باورهای مذهبی زن و شوهر هم از راهکارهایی بود که افراد متأهل برای حفظ رضایت از زندگی زناشویی به آن اشاره کردند. «پیامدها» به برون‌داد و نتایج کنش و کنش متقابل اشاره می‌کنند (استراس و کوربین، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). شادکامی زناشویی، از تعامل شرایط علی، زمینه و شرایط مداخله‌گر به وجود می‌آید. در نتیجه، پیامد در این پارادایم همان شادکامی زناشویی است که در صورت فراهم بودن شرایط علی برای شادکامی زناشویی و به وجود آمدن سطح بالایی از رضایت، برآورده شدن استانداردهای فرد از یک ازدواج و همسر خوب و این‌که فرد شخصیت شادکامی داشته باشد و با به کارگیری راهبردهایی مؤثر برای بهتر شدن زندگی مشترک، به وجود می‌آید. فرآیندی که شرح داده شد، در شکل ۱ قابل ملاحظه است.

به طور خلاصه، در صورتی که عواملی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، رضایت زناشویی بالایی را به وجود آورند، این‌که فرد در ازدواج خود احساس شادی کند، به شخصیت فرد و برآورده شدن انتظارات فرد از ازدواج وابسته است که این‌ها از اهمیت بیشتر عوامل درون‌فردی در ایجاد شادکامی زناشویی خبر می‌دهد. بدین معنا که لازمه این‌که یک فرد در ازدواج خود احساس شادی کند، این است که زمینه شخصیتی شادی داشته باشد و عوامل زمینه‌ساز برای رضایت او از ازدواج فراهم باشد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر، تعداد کم مردان شرکت‌کننده می‌باشد و از آنجایی که در پژوهش‌های متعددی اشاره شده است، رضایت‌مندی زناشویی در مردان بیشتر از زنان است، احتمال آن می‌رود نگاه مردان به مقوله شادکامی نیز متفاوت از زنان باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، این مقوله از نگاه مردان مورد توجه ویژه قرار بگیرد. هم‌چنین براساس نتایج این پژوهش مشخص شد که مهارت‌های بین‌فردی نقش مهمی در پیش‌بینی‌کنندگی شادکامی زناشویی دارند، در نتیجه پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های بعدی به مقوله مهارت‌های بین‌فردی در حوزه مطالعات زوج و کیفیت رابطه توجه بیشتری شود.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|---------------------------------|
| 1. Kamyab, Hoseinpour & Soudani | 22. Aboalmaali |
| 2. Tagarian | 23. Open coding |
| 3. Terman, Bутtenweiser, Ferguson, Johnson & Wilson | 24. Axial coding |
| 4. Happily | 25. Selective coding |
| 5. Unhappily | 26. Danaeifard |
| 6. Sadeghi | 27. ENRICH Couple Scales |
| 7. Unsatisfactory | 28. Olson |
| 8. Kaslow & Robison | 29. Marital Happiness Inventory |
| 9. Halford, Lizzio, Wilson & Occhipinti | 30. Fordyce |
| 10. Lee & Ono | 31. Oxford |
| 11. Glenn & Weaver | 32. In-depth interview |
| 12. Adams | 33. Paradigm |
| | 34. Casual Conditions |

- | | |
|---|--|
| 13. Marital happiness | 35. Phenomenon |
| 14. Kamp Dush, Taylor & Kroeger | 36. Context |
| 15. Gottman & Notarius | 37. Intervening Conditions |
| 16. Sandhya | 38. Actional / Interactional Strategies |
| 17. Al-Othman | 39. Consequences |
| 18. Selim | 40. Strauss & Corbin |
| 19. Kitayama & Cohen | 41. Khaledi |
| 20. Lucas, Parkhill, Wendorf, Imamoglu,
Weisfeld, ... & Shen | 42. Ross, Mirowsky & Goldsteen |
| 21. Halford, Hahlweg & Dunne | 43. Asoodeh, Khalili, Daneshpour &
Lavasani |

منابع

- ابوالمعالی، خ. (۱۳۹۱). پژوهش کیفی: از نظریه تا عمل. تهران: نشر علم.
- استراس، آ. و کوربین، ج. (۱۹۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه ب. محمدی (۱۳۸۵). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نگریان، ن. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر زوج‌درمانی معنوی بر حال و هوای خانواده و شادکامی زوجین شهرستان خمینی‌شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- خالدی، ش. (۱۳۹۰). عوامل نگهدارنده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- دانایی‌فرد، ح. (۱۳۸۴). تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی. دانش‌سور رفتار، ۱۲(۱)، ۷۰-۵۷.
- صادقی، م. (۱۳۸۹). الگوهای تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار. رساله دکتری، رشته روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- کامیاب، ز.، حسین‌پور، م. و سودانی، م. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش شادمانی به شیوه فوردایس بر افزایش شادمانی بیماران مبتلا به دیابت شهرستان بهبهان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۱(۴۲)، ۱۱۶-۱۰۳.
- Abolmaali, Kh. (2012). [Qualitative Research: from theory to practice]. Tehran: Science [in Persian].
- Adams, M. M. (1999). *Marital Status and Happiness, 1972-1996*. Master's Thesis of Sociology, Virginia State University.
- Al-Othman, H. M. (2012). Marital happiness of married couples in the U.A.E society: A sample from Sharjah. *Asian social science*, 8(4), 217-224.
- Asoodeh, M. H., Khalili, S., Daneshpour, M., & Lavasani, M. G. (2010). Factors of successful marriage: Accounts from self-described happy couples. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5, 2042-2046.
- Danaeifard, H. (2005). [Inductive approach to building theory: Grounded theory strategy]. *Daneshvar Raftar*, 12(11), 57-70 [in Persian].
- Glenn, N., & Weaver, C. (1981). The Contributions of Marital Happiness to Global Happiness. *Journal of Marriage and Family*, 43, 161-168.

- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2002). Marital research in the 20th Century and a research agenda for the 21th Century. *Family Process*, 41(2), 159-197.
- Halford, W. K., Hahlweg, K., & Dunne, M. (1990). The cross-cultural consistency of marital communication associated with marital distress. *Journal of Marriage and Family*, 52(2), 487-500.
- Halford, W. K., Lizzio, A., Wilson, K. L., & Occhipinti, S. (2007). Dose working at your marriage help? Couple relationship self-regulation and satisfaction in the first 4 years of marriage. *Journal of Family Psychology*, 21, 185-194.
- Kamp Dush, C. M., Taylor, M. G., & Kroeger, R. A. (2008). Marital Happiness and Psychological Well-Being across the Life Course. *Family Relations*, 57(2), 211-226.
- Kamyab, Z., Hoseinpour, M. & Soudani, M. (2010). [A survey of happiness education Effective in Fordyce method on increasing of happiness of diabetic patients in Behbahan city]. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 11(42), 103-116 [in Persian].
- Kaslow, F., & Robison, J. (1996). Long-term satisfying marriage: perceptions of contributing factors. *The American Journal of Family Therapy*, 24, 153-170.
- Khaledi, Sh. (2011). *The marriage protective factors in married people with risk factors*. Master dissertation in psychology, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Kitayama, Sh., Cohen, D. (2007). *Handbook of Cultural Psychology*. New York: Guilford.
- Lee, K. S., & Ono, H. (2008). Specialization and happiness in marriage: A US-Japan comparison. *Social Science Research*, 37(4), 1216-1234.
- Lucas, T., Parkhill, M. R., Wendorf, C. A., Imamoglu, E. O., Weisfeld, C. C., ... & Shen, J. (2008). Cultural and Evolutionary Components of Marital Satisfaction: A Multidimensional Assessment of Measurement Invariance. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 39(1), 109-123.
- Olson, D. H. (2006). *Four ENRICH Couple Scales*. Minneapolis, MN: Life Innovations, Inc.
- Ross, C. E., Mirowsky, J., & Goldsteen, K. (1990). The Impact of the Family on Health: The Decade in Review. *Journal of Marriage and Family*, 52(4), 1059-1078.
- Sadeghi, M. (2010). *Marital interaction patterns in Iranian culture and the effectiveness of culture-based communication skills training on enhancing marital adjustment in distressed couples*. PhD thesis in psychology, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Sandhya, S. (2009). The social context of marital happiness in urban Indian couples: Interplay of intimacy and conflict. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35(1), 74-96.
- Selim, S. (2008). Life Satisfaction and Happiness in Turkey. *Social Indicators Research*, 88(3), 531-562.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory, Procedures and Techniques* (B. Mohammadi, Trans.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [in Persian].
- Tagarian, N. (2008). *Investigating the Effect of Spiritual Couple Therapy on Family Atmosphere and Marital Happiness in Couples of Khomeinishahr*. Master dissertation in psychology, Isfahan University [in Persian].

Terman, L. M., Bottenweiser, P., Ferguson, L. W., Johnson, W. B., & Wilson, D. P.
(1938). *Psychological Factors in Marital Happiness*. New York, NY: McGraw-Hill.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی